اقتصاد جمعيت

علي اصغر نظري: عضو هيات علمي دانشگاه پيام نور

چكيده

اقتصاد انساني يا جمعيت، علمي است كه در كشورهاي جهان سوم به اهميت آن كمتر توجه شده است. جهت بهره‌وري از اين عامل مي بايد جمعيت را پالايش و از نظر ساختارهاي گروهي و تركيب جنسي آن ها متعادل ساخت. تعادل در بين گروه هاي سني سبب مي شود تا اختلاف در تعداد جمعيت يا تفاوت درصد آن ها به حداقل برسد. تركيب جنسي جمعيت نيز مي بايد به گونه اي باشد كه نسبت مردان به زنان مساوي و يا تعداد زنان در مقايسه با مردان زيادتر گردد. رخداد اين وضعيت حاكي از رفتارهاي اجتماعي و فرهنگي معقول و رعايت عدل و انصاف در جامعه است. زنان نسبت به مردان طول عمر بيشتري دارند و چنانچه جامعه موجب تبعيض بين اين دو جنس نشود نسبت زنان به مردان فزوني يافته و تا حدود۱/۵ افزايش خواهد يافت. اگر از نيروي كار زنان در راه عمران و توسعه كشور استفاده شود جامعه زودتر به اهداف نهائي خود كه بازده اقتصادي جمعيت است نايل خواهد شد. براي توانمندساختن جمعيت، آموزش، اولين شرط در استفاده اقتصادي از آن است. در صورتي كه جمعيت، آموزش هاي تخصصي و تكنيكي ببيند به يك عامل اقتصادي مهم تبديل شده و ابداع، اختراع و اكتشاف در بين افراد آن آغاز خواهد شد. وقوع اين پديده شروع توسعه و پيشرفت براي جامعه است. مديريت هاي جمعيتي محرك هاي سازنده اي براي سر و سامان دادن به جمعيت ها و آماده سازي آن ها جهت بازدهي اقتصادي مي‌باشند.

كليد واژه: گروه هاي جمعيتي، اقتصاد جمعيت، آموزش، ابداع، اختراع، اكتشاف

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

مقدمه

در ميان اكثر ديدگاه هائي كه انسان در طول حيات و در نتيجه كاربرد تجارب و دانش خود كسب مي كند، ديدگاه اقتصادي در درجه اول اهميت قرار دارد. اين ديدگاه از دو جنبه ادامه حيات و ملاحظه تلاش انسان ها براي دستيابي به انواع امكانات كه در نهايت رابطه تنگاتنگ باتوان مالي دارد پديدار مي گردد. اين دو عامل تا گذشته اي نه چندان دور مورد توجه نبودند. زيرا جمعيت در سرزمين هاي مختلف چون امروز زياد نبود. از آنجا كه دولت ها با مسائل و مشكلات زندگي اجتماعي رو به رو نبودند، در طول قرن ها به حيات خود ادامه داده و از مديريت عمران و توسعه غافل بودند. ازدياد جمعيت، پديدارشدن كمبودها، عدم موفقيت در دست رسي به نيازها، بالارفتن قيمت ها هر يك موجب ظاهرشدن مشكلاتي شدند كه بر روي هم، گذران زندگي را مشكل ساخت و به دنبال آن اقتصاد و مسائل مربوط به آن از اقدامات پيگير و وقت گير اغلب دولت‌ها گرديد. در اين رابطه دولت هائي موفق به حل مشكلات خودگشته و مي گردند كه از توان فكري، تخصصي و علمي بالا سود مي برند. بهره گيري از انديشه هاي توانمند و بالا در حل مشكلات منحصر به جنبه هاي اقتصادي نمي شود و كشورهائي كه از اين پديده در امور مختلف و در برطرف كردن ناهنجاري ها و چالش هاي اجتماعي استفاده مي كنند موفق تر از دولت هائي هستند كه فاقد اين مهم مي باشند.

تجارب دهه هاي گذشته و بخصوص از جنگ جهاني دوم به بعد كه مراكز آموزشي تخصص را در زمينه هاي مختلف علمي اشاعه و در گسترش آن ها اهتمام ورزيدند نشان داد كه پيشرفت و توسعه جز از طريق آموزش علوم و تخصص در ابعاد گوناگون ميسر و ممكن نمي گردد. بر همين اساس بود كه كشورهاي آگاه و در راس آن ها كشورهاي پرجمعيت به فكر توسعه مراكز آموزش عالي و تعليم و تربيت توده هاي جمعيت خود پرداختند و پاره اي از اين

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

كشورها نظير چين و هند در طول هر يك از برنامه هاي عمراني خود ميليون ها نفر از افراد مستعد يعني جوانان خود را آموزش داده و براي نيل به توسعه كشور از آموخته هاي آن- ها بهره گرفتند. دولت چين در دومين برنامه عمراني خود به آموزش و تخصص ۱۲ ميليون نفر مهندس زمين شناسي مبادرت ورزيد و پس از تحصيل با اعزام آن ها به نقاط مختلف كشور به شناسائي منابع مختلف زيرزميني آن كشور اقدام نمود (چين و مسايل جمعيتي آن، رشد آموزش جغرافيا ترجمه علي اصغر نظري، ١٣٦٤).

هر چند با اشاعه تخصص و تكنيك در جامعه جمعيت از نظر ساختار شغلي متحول گشته و به تدريج از فعاليت هاي نوع اول به فعاليت هاي نوع دوم و از نوع دوم به فعاليت هاي نوع سوم و سرانجام به مرحله پاياني يا فعاليت هاي نوع چهارم كه زمينه هاي اطلاعاتي است انتقال خواهد يافت و در اين روند پالايش و به تناسب ايده‌آل كه در مراحل توسعه از اصول مهم شمرده مي‌شود خواهد رسيد، ليكن در كنار آموزش و همراه با سير تحول آن برنامه ريزي براي اصلاح ساختاري جمعيت عاملي است كه بايد مورد توجه مسئولين قرار گرفته و در متناسب سازي جمعيت اهتمام ورزند.

جمعيت متناسب

تناسب در تعداد جمعيت و ساختارهاي سني و جنسي آن از اولين اصول براي توسعه و پيشرفت و بهره مندي از امكانات و دست رسي به سطحي از اقتصاد دل خواه است. تعداد جمعيت در يك سرزمين مي بايد به گونه اي باشد كه توان هاي طبيعي و اقتصادي آن كشور از يك سو قادر به رفع نيازهاي آن جمعيت باشد به گونه اي كه نياز به ورود نيازمندي ها از خارج نباشد و از سوي ديگر جمعيت چنان اندك نباشد كه آن سرزمين يا كشور جهت اجراي امور خود ناچار به استفاده از افراد ديگر كشورها باشد. چنانچه كشوري با وضع اخير رو

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

به رو گردد در هنگام بروز مشكلات افراد غيرملي آن با اندك ناملايمات آنجا را ترك كرده و برنامه هاي مختلف آنرا با كمبود افراد فني و متخصص رو بـه رو مي سازند كه در نهايت به بروز ناهنجاري در آن سرزمين مي انجامد.

تركيب جنسي

ساختار يا تركيب جنسي از ديدگاه اقتصادي داراي اهميت فوق العاده اي است. درسرزمين هاي توسعه يافته كه محدوديت هاي اجتماعي و فرهنگي براي زنان نظير آنچه در كشورهاي در حال توسعه و عقب افتاده وجود دارد چندان به چشم نمي خورد و لذا زنان از نظر طول عمر در مقايسه با مردان عمر طولاني تريداشته و بطور متوسط حدود ۱۰ سال بيشتر از مردان زندگي مي كنند. اين موضوع سبب شده است كه زنان اكثر كشورهاي توسعه يافته نزديك به ۲۰ درصد بيشترازمردان آن كشورها باشند، لذا چون نيروي كار مردان كمتر از زنان مي باشد، از نيروي كار زنان جهت انجام امور در فعاليت هاي مختلف استفاده مي شود و بطور متوسط بين ٤٥ تا ٤٨ درصد از نيروي كار اين كشورها را زنان تشكيل مي دهند. در كشورهاي در حال توسعه كه تقريبا تمامي كشورهاي اسلامي در زمره آن قرار دارند، در نتيجه محدوديت هاي متعدد كه براي زنان وجود دارد نه تنها تعداد آن ها از مردان بيشتر نيست بلكه در مقايسه با مردان درصد آن ها كمتر بوده و هر اندازه كشورها با محدوديت هاي اقتصادي بيشتري رو به رو باشند؛ تعداد زنان آن ها براثر برخورد با ناملايمات كمتر مي گردند.

(Human indicaors of the world undp united Nations 2001) نتيجه اينكه كمبود هر يك از دو جنس زن يا مرد در هر كشور سبب بروز مشكلات بسياري براي آن ها مي شود و اين از وظايف كشورها است كه سعي كنند تا تعادل لازم بين زنان و مردان بوجود آيد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

ساختار سني

ساختار سني از ويژگي هاي بسيار مهم در مطالعات جمعيتي است، اين ساختار نشان مي دهد مردمي كه در يك كشور زندگي مي كنند از جهات اقتصادي، اجتماعي، سياسي و فرهنگي در چه وضعي قرار دارند. از طرفي اين ساختار منعكس كننده موقعيت سرزمين يا كشور مورد مطالعه از نظر مقام و مرتبه و درجه پيشرفت يا عقب افتادگي آن در بين كشورهاي مختلف جهان است (جغرافياي جمعيت ايران، علي اصغر نظري، پيام نور، ۱۳۷۵).

ساختار سني متشكل از تمام ساختارهائي است كه كوچك ترين فرد كشور و مسن ترين آن ها را در بر مي گيرد. اين ساختار از نقطه صفر يا اولين ثانيه ورود به حيات تا بالاي ٦٠ يا ٦٥ سال كه دوره بازنشستگي افراد از آن شروع مي شود را در بر گرفته و جمعيت هر كشور متشكل از كليه افرادي است كه تعداد معيني از آن ها در هر يك از سال هاي مورد محاسبه در هر نقطه از كشور متولد گرديده اند. بنابراين ساختار سني يك جمعيت از نظر محاسبه آماري داراي يك دوره زماني به طول در حدود يك قرن است كه در هر سال آن تعدادي از افراد كشور متولد گشته و در مجموع جمعيت كشور را تشكيل مي دهند.

براساس آنچه بيان شد مردم يا جمعيت هر كشور به گونه اي از نظر زماني يا سني قرار دارند كه گروهي ازآن ها هنوز به يك سال نرسيده، تعدادي ديگر از يك تا دو سال و اين ترتيب به همين گونه ادامه پيدا مي‌كند كه چند نفراز آن ها ممكن است داراي بيش از ۱۰۰ سال سن باشند.

قرارگيري جمعيت در تعداد سال هائي به درازاي بيش از صد سال و آماده سازي نيازهاي آن ها كه از يك سال تا سال ديگر متفاوت است نياز به برنامه ريزي بسيار دقيق و حساب شده دارد كه تاكنون هيچ كشوري در جهان موفق به انجام آن نشده است و اغلب كشورهاي جهان جهت برنامه ريزي هاي مختلف خود جمعيت خويش را در سه گروه خردسالان، ميان سالان و بزرگ سالان

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

طبقه بندي كرده اند كه اين طبقه بندي به هيچ وجه جوابگوي نيازهاي واقعي همه افرادي كه در هر يك از اين گروهها قرار دارند نيست.

براي مثال احتياجات يك نوزاد يك ماهه با نيازهاي يك فرد ١٤ ساله كه هر دو در يك گروه طبقه بندي شده اند و همچنين احتياجات يك جوان ٢٥ ساله با يك ميان سال ٤٥ ساله كه در گروه ميان سالان جاي داده شده اند به هيچ وجه يكسان نيستند. با اينحال براي كاستن از موانع ايجادشونده در اجراي برنامه هاي مختلف بهتر ايـــن است كه طبقه بندي جمعيت را در چهار گروه سني كودكان (١٤-٠ سال) جوانان (٣٤-١٥ سال)، بزرگ سالان (٥٩-٣٥ سال) و پيران (+٦٠ سال) انجام دهيم تا بتوانيم هر برنامه اي را دقيق تر با نتايج روشن تر به اجرا درآوريم (جغرافياي جمعيت ايران، علي اصغر نظري،گيتاشناسي ١٣٧٢).

هم آهنگي متناسب در گروه هاي جمعيتي

كشورهاي جهان باتوجه به قرارگيري در گروه هاي پيشرفته و توسعه يافته و يا در حال توسعه يا در حال رشد از نظر ساختارهاي گروهي جمعيت داراي تفاوت هاي درصدي بسيار متفاوتي هستند. اين عامل آن چنان روشن و بديهي است كه به سادگي مي توان با مقايسه گروه هاي جمعيتي هر يك از دو گروه كشورهاي مورد اشاره به درجه اجتماعي آن ها از نظر توسعه يافتگي و يا در حال توسعه پي برد. در اين رابطه بايد گفته شود كه كشورهاي توسعه يافته از نظر قرارگيري جمعيت يا به گفته ديگر درصد مردم آن ها در هر گروه جمعيتي داراي اختلاف درصد بسيار چشم گيري نيستند، در حالي كه اختلاف درصدها، در گروه هاي جمعيت كشورهاي در حال توسعه به گونه اي كه توجه دست اندركاران مطالعات جمعيتي را به سادگي جلب مي كنند. درصد گروه جوانان در بعضي از اين كشورها بيش از ٢/٥ و گاه نزديك به ٥٠ درصد از كل جمعيت آن ها را تشكيل مي دهد، در حالي كه درصد گروه كودكان حتي در پر زاد و ولدترين

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

كشورهاي توسعه يافته از $\frac{1}{4}$ درصد كل جمعيت آن ها فراتر نمي‌رود. به اين نكته نيز بايد واقف بود كه درصد گروه كودكان در كشورهاي اسلامي هيچ گاه در حد كشورهاي توسعه يافته غربي پائين نخواهد آمد. زيرا كشورهاي غربي از نظر اجتماعي داراي روابط آزاد هستند.

تا گذشته اي نه چندان دور كه نظام سنتي توليد متشكل از كشاورزي، صيادي، دامپروري و كارهاي باغداري بود، هر يك از اين امور محركي جهت بهره گيري از نيروي انساني بيشتر و در نتيجه عاملي براي زاد و ولدهاي گاه نامحدود بود كه نتيجه پاياني آن افزايش جمعيت هر كشور و در نهايت منجر به فقر و تنگ دستي خانواده هاي پراولاد مي شد. دخالت و استفاده از ماشين در زمينه هاي مختلف و بالارفتن سطح آگاهي خانواده ها بر اثر آموزش و توسعه ارتباطات و از جمله ارتباطات ديداري و شنيداري سبب گرديد تا در دهه هاي اخير تعداد زا و ولدها به ميزان چشم گيري تنزل و از ازدياد شديد جمعيت در غالب كشورها كاسته گردد. در شرايط كنوني نرخ زاد و ولد در كشورهاي اسلامي بالا و غالبا گروه كودكان هر يك از اين كشورها در حدود ۲/۵ از كل جمعيت آن ها را تشكيل مي دهد كه از كشورهاي توسعه يافته غربي بين ۱۵ تا ۲۰ درصد بالاتر است و همين موضوع سبب مي شود تا هزينه نگاه داري اين فرزندان مازاد، مبالغ گزافي را بر اقتصاد غالب كشورهاي اسلامي تحميل كند، براي مثال در سال ۱۳۷۵ گروه كودكان ايران ۳۹/۵ درصد از كل جمعيت را شامل گرديد كه نسبت به كشورهاي پرزاد و ولد توسعه يافته در حدود ۱۵ درصد بيشتر بوده است و اين درصد نزديك به ۱۱ ميليون نفر از جمعيت ايران را تشكيل مي داد. اگر براي هر يك از اين افراد در هر شبانه روز فقط ۱۰۰۰ تومان هزينه شود در هر ۲٤ ساعت بالغ بر ۱۱ ميليارد تومان و در هر سال به ٤۰۱۵ ميليارد تومان مي رسد. از آنجا كه اين هزينه تا پايان سن ۱٤ سالگي بايد انجام شود تا نوزادان و كودكان فعلي دوره كودكي را پشت سر بگذارند، در نتيجه جمع هزينه ۱۱ ميليون بچه مازاد كشور

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

به حدود ٥٧/٠٠٠ ميليارد تومان يا به ٧١٢٥ ميليارد دلار خواهد رسيد. چنين هزينه اي سبب مي شود تا كشور ما با كمبود سرمايه مواجه گشته و نتواند هزينه هاي آموزشي، بهداشتي، بيمه هاي مختلف و ديگر نيازهاي همگاني را تامين و در نتيجه مردم كشور با انواعي از كمبودها رو به رو مي شوند كه در نهايت منجر به عقب افتادگي كشور خواهد شد. از طرفي فشار و سنگيني اين كمبودها بر ديگر گروه هاي جمعيت تحميل مي شود.

چنانچه در صد جوانان تعليم و آموزش ديده كاهش خواهد يافت و گروه بزرگ سالان بخاطر محروميت هاي مختلف به درصد پيش بيني شده خود يعني ٢٣ الي ٢٥ درصد نخواهد رسيد. اين گروه در ايران در سال ١٣٧٥ فقط ١٨/٨ درصد كل جمعيت را شامل شده بود و در اين رابطه گروه سال خوردگان بيشترين آسيب را خواهند ديد.

درصد گروه سال خوردگان در هر سرزمين اگر به جايگاه واقعي خود برسد مي بايد ٢٥ درصد از كل جمعيت را تشكيل دهد. اين درصد در كشورهاي بسيار توسعه يافته جهان هم اكنون بين ١٥ الي ١٨ درصد است، در حالي كه اين درصد در كشورهاي در حال توسعه و از جمله كشورهاي اسلامي هنوز به ٨ درصد نمي رسد و اين كاهش عللي جز فقر و محروميتدر زمينه‌هاي اقتصادي، سواد، بهداشت و درمان و تغذيه ندارد (ويژگي هاي جغرافيائي كشورهاي توسعه يافته، علي اصغر نظري، پيام نور ١٣٧٤ ص ١٣٠-١٢٩).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

جدول ۱ درصد گروه هاي چهارگانه جمعيت در كشورهاي در حال توسعه و توسعه يافته

ردیف	كشورهاي در حال توسعه	درصد	ردیف	كشورهاي توسعه يافته	درصد
۱	خردسالان	۴۵-۳۷	۱	خردسالان	۲۵-۲۰
۲	جوانان	۳۵-۳۰	۲	جوانان	۳۷-۳۵
۳	بزرگسالان	۲۱-۱۶	۳	بزرگسالان	۲۴-۲۲
۴	سالخوردگان	۵/۳۷-۳	۴	سالخوردگان	۱۸-۱۵

نقش آموزش در توان مندي هاي اقتصادي

يكي از علل اصلي و مهم توسعه و پيشرفت توجه به امر آموزش در زمينه هاي مختلف علمي است. اهميت آموزش در طول دو قرن اخير بويژه از انقلاب صنعتي به بعد براي اغلب كشورها آشكار شده است. توسعه دانشگاه ها، ايجاد گرايش هاي مختلف علمي، پي بردن به اهميت دانش، تكنيك و تخصص و تربيت تعداد زيادي از افراد فني و حرفه اي و دانشمند و آگاه به امور مختلف سبب گرديد تا پيشرفت هاي فوق العاده در جهت بهره برداري از توان هاي طبيعي و انساني به عمل آيد. اهميت استفاده از نيروهاي آموزش ديده و تحصيل كرده تا آن حد مورد توجه كشورهاي توسعه يافته قرار گرفته است كه نه تنها سرمايه هنگفتي صرف آموزش و توسعه مراكز علمي خود مي كنند تا افراد كشور خويش را آموزش دهند بلكه تا آنجا كه بتوانند از افراد تحصيل كرده كشورهاي

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

ديگر و بخصوص افراد متخصص و داراي تكنيك و فن كشورهاي در حال توسعه كه به اهميت اقتصادي نيروي انساني خود وقوف كامل ندارند استفاده و با ترفندهاي مختلف آنان را جذب نمايند.

فرار مغزها يا drain Brain چند سالي است كه شتاب زيادي گرفته و كشورهاي توسعه يافته با وعده هاي گوناگون به جذب نخبگان كشورهاي در حال توسعه و از جمله كشورهاي اسلامي و بويژه ايران مبادرت مي ورزند. آنچه مسلم است اينكه براي هر فرد متخصص در هر زمينه علمي ميليون ها تومان يا دلار هزينه مي شود و بين ۲ تا ٦ درصد از بودجه ناخالص كشورهاي در حال توسعه در هر سال صرف آموزش‌هاي مختلف آن ها مي‌شود(Human indicators undp united Nations 2001).

مديريت

مديريت در انتظام و بهره گيري از اقتصاد جمعيت يا توان انساني نقش فوق العاده مهمي را بازي مي كند. اين گونه مديريت ها غالبا بر عهده كساني است كه با ويژگي ها و شاخص هاي جمعيت در كشورها و سطوح مختلف جوامع، آشنايي داشته و قادر به تجزيه و تحليل مسائل انساني باشند. مديريت در اقتصاد انساني شامل همه ابعاد بهره وري از توان هاي بالقوه و بالفعل طبيعي و انساني مي شود و افرادي كه با ويژگي هاي مطالعاتي و اختصاصي جمعيت ها از قبيل تركيب ساختارهاي سني، جنسي، باروري وضعيت سواد، شاخص هاي فرهنگي، توسعه عقب افتادگي، نحوه اسكان، الگوهاي مهاجرتي با رشد مرگ و مير و ساير خصوصيات جمعيت ها آشنا باشند، در مديريت هاي اقتصاد انساني بينش وسيع تري داشته و در ايفاي نقش خود موفق تر خواهند بود. اولين كار مديريت جمعيت، مطالعه ويژگي هاي مورد اشاره درباره جمعيتي است كه تحت بررسي قرار مي گيرد، چنانچه جمعيت از نظر ساختارهاي سني، صنعتي و تركيب،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

نامتعادل و گروه هاي چهارگانه آن از نظر تعداد جمعيت يا درصد گروه ها تفاوت هاي چشم گيري داشته باشند، وظيفه مديريت آن است كه با استفاده از روش هاي متداول و تجارب بدست آمده در جوامع توسعه يافته به بازسازي ساختار جمعيت بپردازد و با برنامه ريزي، نقائص موجود را برطرف نمايد. براي مثال اگر در جامعه استفاده از نيروي يكي از دو جنس زن يا مرد بيشتر مورد توجه باشد. مديريت آن جامعه بايد پس از كشف علت، راه هاي جديدي براي استفاده از توان يا نيروئي كه داراي ركود شده است پيشنهاد نمايد. وظيفه مديريت آن است كه هيچ گاه نيروي كار يا توان جمعيت را بلااستفاده نگذارد و در هدايت گروه هاي مختف توانمند براي توليد و بازده اقتصادي برنامه ريزي و به اين طريق در پيشبرد جامعه خود تلاش نمايد (در غير اين صورت بي كاري و تبعات آن منجر به ناهنجاري شده و كشور را با چالش ها و مخاطراتي رو به رو مي سازد).

يكي ديگر از اقداماتي كه مديريت هاي امور جمعيتي مي بايد مدنظر قرار دهند رهنمودهائي براي كنترل جمعيت و تنظيم خانواده است. در سير تحول جمعيت يعني گذر از مرحله فعاليت هاي نوع اول به دوم و اجتماع نيروي كار در اين مرحله كنترل و تنظيم خانواده خود به خود شكل خواهد گرفت. البته اين روند در صورتي بوجود خواهد آمد كه كشورها به سمت صنعتي شدن پيش بروند و استفاده از ماشين جايگزين نيروي انساني در فعاليت هاي نوع اول گردد. با انتقال نيروي كار از مرحله دوم (صنايع) به مرحله سوم (خدمات) كنترل جمعيت شديدتر يا به جايگاه اصلي و ثابت خود خواهد رسيد، زيرا در چنين مرحله اي جمعيت ها غالبا باسواد، آينده‌نگر و در زمينه هاي كاري خود و از جمله تعداد فرزندان برنامه ريزي مي‌كنند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

خلاقيت

خلاقيت پي آمد به كاراندازي فكر و انديشه است. وقتي درصد بالائي از جمعيت يك كشور يا جامعه فكر و انديشه خود را با كسب علم و دانش و تكنيك و تخصص صيقل داده و تجارب علمي خود را به كار اندازند اختراعات و اكتشافات زيادي در جامعه به ظهور مي رسد و در بين گروه تحصيل كردگان رقابت پديدار مي گردد. رقابت در زمينه ها و عرصه هاي علمي محرك انواعي از ابداعات در هر جامعه مي شود و اين مرحله شروع توسعه در عرصه ها و زمينه هاي مختلف جامعه است.

وقتي جامعه به مرحله شروع توسعه برسد سازمان دهي، دسته بندي و هدايت ره‌آوردها از اصول مهم براي هدايت كلي جامعه يا كشور مي شود، تا آنجا كه امكان داشته باشد بايد از تكرار و فردگرائي در زمينه هاي ابداعي جلوگيري شود، زيرا چنين روندي سرمايه و زمان را تلف مي سازد و نيل به هدف را تاخير مي اندازد.

مديران جمعيت همزمان با اقدامات فوق بايد به تامين نيازهاي سرمايه اي و ابزاري ابداع كنندگان، مخترعين و مكتشفين بپردازند تا از يك سو موجب تشويق و از سوي ديگر تسريع در به نتيجه رسيدن انديشه هاي افراد فوق الذكر گردد. اين مرحله از نظر آماده سازي جامعه جهت تلاش در آموزش، تعليم و تعلم كاربرد آموخته ها، تلاش در ابداع، اختراع و اكتشاف با هدف توسعه فراگير داراي اهميت زيادي است. وقتي جامعه به اين مرحله از بيداري فكري برسد تمايل ملي براي پيشرفت و الگوشدن افزايش پيدا مي كند و در صورت تداوم اين روند ديري نخواهد گذشت كه زمينه هاي توسعه يكي پس از ديگر پيموده مي شود و بعد از اندك زماني جامعه به سطحي از توسعه خواهد رسيد كه توليد در صنايع مختلف آن بيشتر از نيازهاي داخلي و در نتيجه مسئولين كشور جهت در اختيارگرفتن بازارهاي خارجي توليدكنندگان را ياري خواهند نمود. رسيدن

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

جامعه به اين سطح از پيشرفت موجب ارزآوري و استحكام بنيان اقتصادي كشور خواهد شد و در جايگاهي قرار مي گيرد كه پيشرفت آن تداوم خواهد يافت.

نمونه آنچه بيان شد كشورهاي ژاپن، هند، مالزي و سنگاپور مي باشند، كه با پشت سرگذاشتن مراحلي كه بر شمرده شد به آن چنان سطحي از پيشرفت رسيده اند كه بيش و كم از آنها مطلع مي باشيم.

هسته‌هاي پژوهش

يكي از اركان مهم در تغذيه فكري و علمي هر كشور وجود هسته هاي پژوهش در زمينه‌هاي فرهنگي، اجتماعي و اقتصادي است. هسته هاي پژوهش را مي توان از علاقه مندان به كارهاي تحقيقاتي، مخترعين و مكتشفين تشكيل داد. اعضاي گروه هاي آموزشي كه در سنين بازنشستگي هستند از شايسته ترين كساني مي باشند كه مي توان از گنجينه فكري آنان حداكثر استفاده را نمود. اين گروه كه سال ها خادم جامعه خويش بوده اند، پس از ورود به دوره بازنشستگي از آرامش فكري بيشتري برخوردار مي شوند و چنانچه مورد توجه و احترام قرار گيرند مي توانند آموخته هاي خويش را به نسل هاي جوان و فعال منتقل و زمينه هاي توسعه را هموارتر سازند.

سرمايه علمي، فني، تخصصي و ارشادي اين گروه حاصل دست آوردهائي است كه كشور در طول حيات خود به آن ها نائل آمده است. چنانچه از اين سرمايه عظيم استفاده شود فاصله زماني نيل به توسعه بسيار كوتاه مي گردد.

پيشنهادات

براي بهره گيري از توان جمعيت در كليه كشورهاي اسلامي و بويژه ايران و ارتقاء سطح علمي، فني، اقتصادي و سياسي اين كشورها، پيشنهادات زيـــر

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

مي تواند به عنوان راه كارهاي قابل تامل مورد توجه مسئولين و برنامه ريزان جمعيت و ساير مجريان امور اجتماعي قرار گيرد.

۱- پيشنهاد مي نمايد در صورت وجود فعالين بي كار، نظير كارگران زراعي، ساختماني، كارگاهي و زنان بي كار، آن ها را به مراكز آموزشي، فني و حرفه-اي راهنمائي نمايند.

۲- سعي شود با برنامه ريزي هاي مناسب و واگذاري مسئوليت هاي قابل پذيرش از نيروي كار زنان در عرصه هاي مختلف استفاده و اين طبقه از جمعيت را در توسعه كشور سهيم نمايند.

۳- جهت پشتوانه هاي علمي، فني و تخصصي از نيروي بازنشستگان در زمينه‌هاي مختلف و از جمله ايجاد هسته هاي پژوهشي در مراكز مختلف بهره گيري شود.

٤- آموزش در كليه مقاطع و مراحل آموزشي و از جمله تحصيلات تكميلي و تخصصي رايگان و كارورزان از نظر مالي حمايت گردند، زيرا بازده كار اين افراد به جامعه باز مي گردد و اعتلاي جامعه مرهون تلاش آنان است.

٥- آموزش هاي تخصصي به صورت فراگير در سرلوحه برنامه ريزي دولت ها قرار گيرد و در صورت بي نيازشدن كشور از وجود افراد فني و متخصص، صدور اين افراد از طريق قراردادهاي موردقبول دولت ها اجرا تا از يك سو جنبه ارزآوري آن رعايت و از سوي ديگر ويژگي هاي اسلامي، انساني و فرهنگي آنان موجب اعتلاي كشورشان گردد.

٦- كشورهاي اسلامي به جاي احداث مراكز آموزش عالي در نقاط شهري كه مشكلات فراواني را براي جوامع شهري ايجاد مي كند، اين مراكز را در نقاط روستائي و از جمله روستاهائي كه داراي موقعيت مركزي و ارتباطي و عمراني بيشتري هستند ايجاد نمايند. اين كار از يك طرف سبب جلوگيري از مهاجرت هاي روستا – شهري كه انگيزه فرهنگي دارند شده و از طرف ديگر

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

آموخته هاي دانشگاهي را در مراكز روستائي بكار بسته و سبب عمران و آبادي روستاها خواهد شد. يكي ديگر از جنبه هاي مفيد اين كار هزينه شدن مبالغي است كه افراد و مراكز آموزشي ناگزير از آن هستند و اين موضوع سبب اشتغال براي افراد بي كار روستائي خواهد گرديد. دادن كمك هزينه هاي دولتي به دانشجويان و توانمندساختن آنان از نظر مالي موقعيت اين طرح را تضمين خواهد نمود.

منابع و ماخذ

۱- ويژگي هاي جغرافيائي كشورهاي اسلامي، علي اصغر نظري، انتشارات پيام نور،۱۳۷٤.

۲- سرشماري عمومي نفوس و مسكن – كل كشور ۱۳۷۵- سازمان برنامه و بودجه مركز آمار ايران.

3. Basic Facts About the united Nations undp united Nations 2000.

4. U.N.year book 2000. United Nations.

5. State of world Population unfpa 2002.

6. Human Development Report 1999 undp.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

Economy population

Asghar nazary :University payam noor

Abstract

Human economy or popuation econony is a factor which is not undrestood perfecthly by the third world countries. To make the population profitable the four groups of children (0-14 years) youngs (15-34 years) aged (35-59 years) and olds (60^+ years) in the age structure of the population shuld balance with each other.

In the case of Additional percentage or number of people in any group especially in the children group a large amount of money will impose on the budjet of those countries having much difference in their age groups.

Educating the people and giving technics and especialization to population causes trying to generalize education among tneir population. Trained people can play an important role in the economy criteria of their county. I suggest to the Moslem countries to invest on education and produce economy through their especialized people.

Key works:

Population groups, Human economy, education, innovation.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]